

قاصدک

شماره نخست نشریه قاصدک
نشریه ویژه کودکان سی و هفتمین جشنواره
فیلم کودکان و نوجوانان

سرمقاله به قلم نفس بازی

جشنواره‌ای برای بچه‌ها
فرصتی برای ستاره‌های فردا



ماجرای فیلم‌های پرسروصدای جشنواره از نگاه بازیگران

ما آمدیم که شهر را رویایی کنیم



جشنواره‌ای برای بچه‌ها، فرصتی برای ستاره‌های فردا

با دنیای سینما آشنا شوند. این جشنواره پله‌ای مهم برای ادامه مسیر بازیگری است و خیلی از بچه‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند.

سینمای کودک بین کودکان و خانواده‌ها محبوبیت زیادی دارد. هر وقت برای دیدن فیلم به سینما می‌روم، به استقبال کودکان و خانواده‌ها دقت می‌کنم. سینما جایی است که کل خانواده کنار هم می‌نشینند و بدون نگرانی از سانسور، فیلمی مناسب و لذت‌بخش تماشا می‌کنند. این فضای خانوادگی باید حفظ شود، اما متأسفانه در سال‌های اخیر کمتر دیده می‌شود.

شاید به این دلیل است که ساخت فیلم کودک سخت است؛ باید فیلمی بسازی که هم کودکان و هم والدین دوست داشته باشند و در عین حال باورپذیر و جذاب باشد.

ما باید بیشتر به سینمای کودک و نوجوان توجه کنیم. تعداد کودکان و نوجوانانی که در سینما بازی می‌کنند، خیلی کم است. نسل

جدیدی که وارد سینما شده، بسیار

باهوش و پر از ایده‌های نو است.

بعضی از آن‌ها مثل رایان سرلک حتی من را شگفت‌زده می‌کنند.

امیدوارم جشنواره فیلم

کودک و نوجوان هم چنان

به رشد و شکوفایی

استعدادهای جوان

کمک کند و مسیر برای ما

نوجوانان هموارتر شود.

وقتی برای اولین بار «خودم» به جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودک و نوجوان دعوت شدم، این موقعیت خیلی برایم عجیب و هیجان‌انگیز بود. حس خاص و متفاوتی داشتم؛ این‌که بالاخره «شخصیت مستقلی» در دنیای سینما دارم و با تکیه بر جایگاهم در سینما و به صورت جداگانه دعوت می‌شوم، بسیار لذت‌بخش بود. مردم من را می‌شناختند، عکس می‌گرفتند و فضای جشنواره واقعاً پر از انرژی و شور بود. خوشحال بودم که چنین فرصتی برای من به وجود آمد.

تجربه فیلم‌دیدن در کنار مخاطبان در جریان جشنواره یکی از لذت‌بخش‌ترین تجربیات است، اما در مورد من، سال گذشته به جشنواره دیر رسیدم و نتوانستم فیلم «برهوت» را همراه با دیگران تماشا کنم. در مراسم اختتامیه هم اصلاً نمی‌دانستم که قرار است جایزه بگیرم و وقتی جایزه دست مادرم گرفتم، برای من اتفاق بزرگی بود. انگار روی زمین نبودم! این جایزه به من انگیزه داد تا مسیر بازیگری را با جدیت ادامه دهم. برای نقش رعنا در فیلم، حدود دو ماه دور از خانواده‌ام در کرمان بودم و خیلی تلاش کردم. حتی بعد از بازگشتم به تهران، نزدیک یک ماه زندگی‌ام شبیه شخصیت رعنا بود.

و اما آن‌چه در جشنواره می‌گذرد، پر از پویایی و هیجان بود، مخصوصاً که من کودکی را پشت سر گذاشته و وارد نوجوانی شده‌ام. دیدن جمعی از بچه‌ها که سنشان کمتر یا بیشتر از من بود و در فضایی آزاد و شاد حضور داشتند، خیلی خوشحال‌کننده بود. این جشنواره فرصتی بی‌نظیر است که بچه‌های بااستعداد کشورمان که شاید کمتر دیده می‌شوند، شناخته و به سینما معرفی شوند.

جشنواره فیلم‌های کودک و نوجوان مکانی است که بچه‌ها و نوجوانان می‌توانند کنار هم باشند و بیشتر



چهره‌های اردشای جشنواره

کجا برویم؟ چه کسانی را ببینیم؟

کجاها فیلم ببینیم؟

اگر می‌خواهید در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان به تماشای فیلم‌ها بنشینید، باید به چهار پردیس سینمایی سر بزنید. در اصفهان، به پردیس‌ها و مجموعه‌های سینمایی سیتی سنتر، ساحل، چهارباغ و شهر رویاها بروید و در سانس‌هایی که الان معرفی می‌شود، فیلم‌ها را ببینید.

اگر به پردیس سینمایی سیتی سنتر می‌روید، در سانس‌های ۱۶:۳۰ و ۱۹:۰۰ و اگر هم انتخابتان پردیس سینمایی شهر رویاهاست، در سانس‌های ۱۶:۳۰ و ۱۸:۳۰ آثار بخش مسابقه فیلم‌های بلند نمایش داده می‌شود.

شمایی که دانش‌آموز هستید، سانس مخصوص خود را دارید. در پردیس سینمایی ساحل به عنوان خانه جشنواره، ساعت ۸:۳۰ و ۱۰:۳۰ آثار جشنواره ویژه دانش‌آموزان به نمایش درمی‌آید. اما ماجرا در سینمای ساحل به این‌جا ختم نمی‌شود. در ساعت ۱۵ و ۱۷:۳۰ آثار بخش مسابقه فیلم‌های بلند در این سینما اکران می‌شود. بعد از نمایش فیلم‌ها در سالن حافظ در نشست رسانه‌ای آثار شرکت کنید.

فیلم‌های کوتاه و پویانمایی در ساعت ۱۶:۳۰ و ۱۸ در سالن خواجهی سینما ساحل پخش می‌شود.

دانش‌آموزان یک فرصت دیگر هم برای تماشای فیلم‌ها دارند و آن هم رفتن به پردیس سینمایی چهارباغ است که خانه دیگر جشنواره است و ساعت ۸:۳۰ و ۱۰:۳۰ آثار جشنواره ویژه دانش‌آموزان به نمایش درمی‌آید. برگزارکنندگان جشنواره اکرانی ویژه هم برای معلولان در نظر گرفته‌اند. در پردیس سینمایی چهارباغ در سانس‌های ساعت ۸:۳۰ و ۱۰:۳۰ سینمادوستان دارای معلولیت می‌توانند فیلم‌ها را تماشا کنند. علاوه بر این، ساعت ۱۵ و ۱۷:۳۰ اکران آثار مسابقه فیلم‌های بلند، ساعت ۱۶:۳۰ و ساعت ۱۸ آثار بخش مسابقه فیلم‌های کوتاه و پویانمایی به نمایش درمی‌آید.

سینماهای شهر برای چند روز پر از حس و حال سینما و رویایابی آماده شده‌اند.

برای بزرگداشت چه کسانی دور هم جمع می‌شویم؟

این خاصیت جشنواره فیلم کودک و نوجوان است که فقط محدود به سالن سینما و تماشای فیلم‌ها نمی‌شود. دور و اطراف آن چنان از سرگرمی و رویدادهای جذاب پر است که حسایی می‌توان از قرارگرفتن در حال و هوای آن لذت برد. یکی از همین جذابیت‌ها آوردن چهره‌های شناخته‌شده به شهر و یادکردن از تأثیرگذاری آن‌ها در دنیای کودکان است.

امسال با این هدف دو بزرگداشت در برنامه جشنواره گنجانده شده است؛ یکی مراسمی است که برای تقدیر از سال‌ها تلاش و هنرآفرینی زهره شکوفنده، پیش‌کسوت حوزه دوبله، برگزار می‌شود، و دیگری بزرگداشت داریوش فرضیایی، مجری و بازیگر عرصه کودک و نوجوان، است. کودکان و نوجوانان سال‌ها با حضور این افراد خاطره ساخته‌اند و حالا تشویق آنان روی سن ادای احترامی است به این سال‌های پر از عشق.

کجاها سینما یاد بگیریم؟

تب جشنواره که بالا بگیرد، وسوسه دست به دوربین شدن و فیلم ساختن خواه ناخواه دست از سر مخاطب پروپاقرص بر نمی‌دارد. برگزارکنندگان جشنواره هم از این ماجرا خبر دارند و در دل این رویداد کارگاه‌هایی با موضوعات مربوط به سینما قرار داده‌اند تا ذهن‌های کنجکاو و قلب‌های هیجان‌زده و علاقه‌مند را همراهی کند. یکی از کارگاه‌ها که در جریان جشنواره برگزار می‌شود «مؤلف و مخاطب» نام دارد. این برنامه سه‌شنبه ۱۵ مهرماه با حضور مهمانی از روسیه به نام سرگئی استراسووکی برگزار می‌شود.

یک کارگاه دیگر هم برنامه‌ریزی شده و مخاطب آن به طور خاص دوستداران انیمیشن و کنجکاوان در این زمینه هستند: «شخصیت اصیل در انیمیشن». دوشنبه ۱۴ مهرماه انس احسان از عراق از ساعت ۱۴ تا ۱۶ درباره این موضوع مفصل صحبت خواهد کرد.

قاصدک





ماجرای فیلم‌های پرسروصدای جشنواره از نگاه بازیگران

ما آمدیم که شهر را رویایی کنیم

این یک شروع دوباره است؛ دست‌دانی تازه از جنس دوستی به سینما و آن‌هایی که با فیلم‌هایشان دنیای رنگی کودکان و نوجوانان را فوش‌رنگ‌تر می‌کنند. این همان پاییز رنگارنگ است که با جادوی سینما هم‌قدم شده و شهر و بچه‌ها را که به‌تازگی از سه ماه تعطیلات تابستانی درآمدهند، به حرکت درآورده. این‌جا دقیقاً نقطه شروع خیال‌پردازی است. اصلاً اسم این روزهای تقویم را می‌توان «خیال‌پردازی بدون مرز» گذاشت. اما آن بازیگرانی که دنیای خیال را پر کرده‌اند، چه کسانی‌اند؟ همان‌هایی که چندی قبل مقابل دوربین رفتند، نقش بازی کردند و حالا از مسیر جشنواره کودک و نوجوان با بچه‌ها ملاقات می‌کنند. قصه فیلم‌هایشان چیست؟ از چه دنیایی برای بچه‌ها مرف زده‌اند؟ شادی و رنگ و هیجان را می‌شود در فیلم‌هایشان یافت؟ جواب همه این سؤال‌ها و بیشتر از این را از قول بازیگران فیلم‌های «موی گرگ»، «سفیدبرفی»، «بچه مردم»، «دفتر برقی»، «پیشم بادومی»، «جادوی عروسک‌ها» و «شهر آرزوها» بفرمایید.





یوسف بختیاری، بازیگر «موی گرگ»

سردمدار قافله سینمای کودک باشیم



من بچه جغرافیای بومی چهارمحال و بختیاری هستم و از کار در فضای این منطقه از کشورم لذت می‌برم. کار من در «موی گرگ» فقط بازیگری نبود. در فیلمی که بازیگران نوجوان در آن نقش داشتند، کار بازیگردانی یعنی همان هدایت بازیگران را هم انجام می‌دادم؛ کاری که با توجه به روحیه نوجوان‌ها سختی‌های خود را دارد. بازیگر نوجوان فیلم ما واقعاً فوق‌العاده بود، اما خب دنیای خاص خود را هم داشت. او بسیار باهوش بود، اما برای رسیدن به زبان مشترک با چالش‌هایی دست‌وپنجه نرم کردیم. حالا به نتیجه رسیده‌ایم و به نظرم حاصل این حضور بسیار واقعی و تأثیرگذار شده است. سینمای کودک، و به خصوص سینمای کودک فریدون نجفی، تنها بخش شریف و پاک سینمای ایران است که هم چنان اصالت خود را حفظ کرده. این سینما سفارشی نشده، وارد بازی‌های جناحی و حزبی نشده و هم چنان همان هویت مستقل و بی‌آلایش خودش را دارد. اگر از سینمای کودک بعد از انقلاب بگویم، از فیلم‌های ابتدایی تا همین فیلم‌هایی که امسال در جشنواره اصفهان نمایش داده می‌شوند، می‌بینید که این سینما همان سینمای شریف کودک است. سینمای کودک پایه و اساس سینمای دنیاست. ما با این همه کارگردان مؤلف و با این سابقه غنی سینما، باید سردمدار قافله این سینما در دنیا باشیم.

حسین توکلی، بازیگر «سفیدبرفی»

من این شهر و این جشنواره را دوست دارم



نام شخصیتی که من در فیلم «سفیدبرفی» بازی کردم، فرشید است. فرشید تلاش می‌کند بحرانی را که برای پدرش به وجود آمده، مدیریت کند و راه‌حلی برای آن بیابد. برای من فرشید نماد تلاش، استقامت و قدرت بود. او همیشه می‌خواست همه خوشحال باشند، می‌خواست پدرش به خواسته‌اش برسد و دوست نداشت غم اطرافیانش را ببیند. این بخش کاراکتر برایم خیلی جذاب بود، چون شخصیتی پاک، صادق و کمک‌رسان است و همواره تلاش می‌کند مسیر درست را برود. من که بعد از طی مسیر طولانی تست‌های بازیگری در اصفهان به این فیلم رسیدم، در این لحظه خیلی امیدوارم که فیلمان در جشنواره فیلم کودک و نوجوان دیده شود. به نظر من به ژانر کودک و نوجوان در سینمای ما خیلی کم پرداخته می‌شود و کارگردانان کمی سراغ تولید آثار در این ژانر می‌روند. حتی اگر کارگردانی باشد که بخواهد در این ژانر کار کند، معمولاً سرمایه‌گذاری کمی انجام می‌شود. به همین دلیل امیدوارم این فیلم با توجه به پیام شجاعت و تلاشی که دارد، دیده شود. در مورد حضور فیلمان در جشنواره من یک خوش‌شانسی دارم؛ این‌که اهل اصفهانم و جشنواره در این شهر است. به نظر من اصفهان شهری غنی از نظر فرهنگی و دارای مردمی گرم و صمیمی است. جشنواره‌ای که به کودک و نوجوان می‌پردازد، در این شهر حس خیلی خوبی به من می‌دهد. من این شهر و این جشنواره را دوست دارم، چون به موضوع مهمی توجه می‌کند.

مهید جهان‌نوش، بازیگر «بچه مردم»

دردسره‌ای یک گریم عجیب



من برای این‌که بازیگر شوم و جلوی دوربین یک فیلم سینمایی بروم، برای کارهای زیادی تست دادم و رد شدم و در نهایت به «بچه مردم» رسیدم، که به نظرم شانس من بود، چون روزی که می‌خواستم برای تست این فیلم بروم، دیر رسیدم و آخرین نفر بودم، اما قبول کردند.

صدای من در ایفای این نقش چالش بسیار بزرگی بود. قصه فیلم یک مقطع ۱۰ ساله از زندگی شخصیت را روایت می‌کند. من باید سعی می‌کردم تفاوتی در صدای بزرگ سالی و زمانی که ریش داشتم، با صدای دوران قبل از آن ایجاد کنم. به خاطر دارم که ساعت‌ها با آقای علی صلاحی (بازیگردان) تمرین بیان می‌کردیم. البته بخش گریم نیز جزء چالش‌های نقش من بود. به یاد دارم که نزدیک به سه ساعت گریم می‌شدم و برداشتن گریم و ریش من نیز یک ساعت زمان می‌برد.



ستایش دهقان، بازیگر «چشم بادومی»

رفتن در قالب نقشی که از خود دور بود

در فیلم «چشم بادومی» نقش مانده را بازی می‌کنم. نکته‌ای که در این نقش وجود داشت و برایم جلب توجه می‌کرد، این بود که مانده خیلی به خود واقعی من نزدیک نبود. برای بازی در بعضی سکانس‌ها چالش‌هایی داشتم که با راهنمایی‌های آقای امینی توانستم آن‌ها را پشت سر بگذارم و این راهنمایی‌ها در قوام یافتن نقش من مؤثر بود. فیلم طوری بود که می‌توانم آن را نقطه عطفی در کارهایم به حساب بیاورم. معتقدم وقتی مخاطب از فیلم رضایت داشته باشد، این موفقیت می‌تواند در آینده من نیز تأثیرگذار باشد. اما حضور در این فیلم یک نکته جذاب دیگر هم داشت و آن هم بازی شدن با بازیگران بزرگی چون آقای مهدی هاشمی بود. او شخصیتی واقعاً دوست‌داشتنی دارد، برای همین همراهی با او برای من واقعاً لذت بخش بود.



نفس جافری و فرید عشقی، بازیگران «دختر برقی»

ما باعث افتخار دوستانمان هستیم

نفس جافری: من ۱۰ ساله‌ام و امسال کلاس پنجم می‌روم. من قبلاً در جشنواره تئاتر فجر شرکت کرده و جایزه بهترین بازیگر کودک را گرفته بودم؛ یک تجربه خاص که خیلی دوستش دارم. حالا قدم به جشنواره فیلم کودک گذاشته‌ام که امیدوارم این‌جا هم اتفاق‌های خوبی بیفتد. با وجود این امیدواری و با این‌که خیلی خوشحالم، ولی یک کم هم نگرانم. مثلاً به خودم زیاد امیدواری نمی‌دهم، چون می‌ترسم اگر جایزه نگیرم، ناراحت شوم. اما درکل از این‌که در جشنواره هستم و یک تجربه جدید به دست می‌آورم، خیلی خوشحالم. به نظرم کلاً جشنواره خیلی خوب است. این‌که فیلمان در یک شهر دیگر، مثل اصفهان، پیش روی کلی بچه هم‌سن خودم و حتی بزرگ‌ترها نمایش داده می‌شود، خیلی خاص و ویژه است. ما با شرکت‌کردن در جشنواره یک جورهایی باعث افتخار دوستانمان هستیم.



فرید عشقی: من ۱۱ ساله‌ام و امسال کلاس ششم می‌روم. حضور در جشنواره فیلم کودک برای من هیجان‌انگیز است، چون تا الان به این جشنواره نرفته‌ام. چیزی که شرکت در جشنواره را برایم جذاب‌تر می‌کند، این است که قرار است فیلم را در کنار تعداد زیادی از بچه‌ها ببینم. خب جذابیت این خیلی بالاست که فیلمی با بازی شما جلوی بچه‌های دیگر پخش شود. این‌که مردم کارت را ببینند، خیلی حس خوبی دارد. مهم است که خروجی کار دیده شود. به نظر من یک بازیگر کار خیلی سختی دارد، ولی وقتی مردم از فیلم و نقش لذت ببرند، خیلی کیف می‌کنی. دوستانمان به ما می‌گویند که دعا می‌کنند تا برنده شویم. آن‌ها خیلی ذوق دارند.

آناهیتا هاشم‌زاد، بازیگر «شهر آرزوها» «بامبولک ۲»

در «شهر آرزوها» هیجان و قصه دوستی و شجاعت می‌بینید

من در فیلم «شهر آرزوها» نقش ستاره را بازی کردم. ستاره دختری است که پدر و مادرش هر دو پزشک هستند و به خاطر مشغله زیاد همیشه مجبورند من و داداش کوچکم را در خانه تنها بگذارند. این اتفاق باعث می‌شود که ما با هم تجربه‌های متفاوتی داشته باشیم و البته دردسرهای زیادی هم پیش بیاید. داستان فیلم برایم جالب بود، چون ماجرای دزدی بود و هیجان داشت. یک روز یک دزد به خانه ما می‌آید و داداش من که خیلی بازیگوش است، ناگهان او را دنبال می‌کند و دزد، داداشم را می‌برد! من که خیلی نگرانم هستم، مجبور می‌شوم همراه مامان بزرگم و البته بامبولک (که یک شخصیت جالب و بامزه است) به دنبال داداشم بروم. این ماجراجویی کلی اتفاق هیجان‌انگیز و پرچالش دارد.



بازی کردن نقش ستاره باعث شد من احساس مسئولیت و دقت بیشتری داشته باشم، چون باید حس نگرانی، شجاعت و تلاش را به خوبی منتقل کنم. همین طور یاد گرفتم که چقدر خانواده مهم است و چطور در سختی ها باید به هم کمک کنیم.

بازی در این فیلم تجربه خیلی جالب و خاصی بود. نه فقط بازیگری، بلکه همه اتفاق های پشت صحنه و بازیگرهای دیگر، مخصوصاً شخصیت بامبولک، که کلی شادی و انرژی داشت، خیلی برایم آموزنده بود. یاد گرفتم چطور با تمرکز بیشتر کار کنم و درعین حال از بازی لذت ببرم. هم چنین فهمیدم که فیلم سازی یک کار تیمی بزرگ است و همه باید با هم همکاری کنند.

دوست دارم همه بدانند که این فیلم داستانی است درباره دوستی، شجاعت و خانواده. امیدوارم وقتی فیلم را می بینید، بتوانید همراه ما هیجان را تجربه کنید و درس های خوبی از آن بگیرید. من مطمئنم شما هم از دیدن این ماجراجویی لذت می برید.

مهید بیور، بازیگر «جادوی عروسک ها»

خوشحالم که در یک فیلم خاص بازی کردم

من در فیلم «جادوی عروسک ها» نقش خیلی متفاوتی داشتم که برایم جالب بود؛ پسری که اصلاً شبیه خودم نبود.



برای من این نقش واقعاً متفاوت بود، چون با نقش های قبلی ام کاملاً فرق داشت. از طرفی، حدود ۷۰ درصد این فیلم با جلوه های ویژه (ویژوال افکت) ساخته شده بود و این موضوع کار من را خیلی پیچیده تر می کرد. من باید دائماً خودم را با تیم و ویژوال هماهنگ می کردم. مثلاً این که در بعضی صحنه ها باید طوری بازی می کردم که انگار اندازه ام ۱۵ متر است و در بعضی جاها هم باید تصور می کردم چند سانتی مترم! خب این کار خیلی تمرکز و تخیل می خواست، چون همه چیز در فضای سبز و بدون دکور واقعی اتفاق می افتاد. باید دقیقاً با تصور هم گام می شدم؛ با چیزهایی که قرار است بعداً در تصویر اضافه شوند.

اتفاق ها برایم خیلی تازگی داشت، چون واقعاً فکر می کنم تعداد کمی از این جور پروژه ها تا حالا در ایران ساخته شده. «جادوی عروسک ها» جزء تجربه های خاص و کم سابقه است، مخصوصاً در ژانر کودک. خوشحالم که بخشی از این تجربه بودم.

واقعاً خوشحالم که این کار به جشنواره راه پیدا کرده و خودم هم در این جشنواره حضور دارم. این فیلم حاصل تلاش شبانه روزی یک گروه ۷۰، ۸۰ نفره از عوامل پشت صحنه بود و

خوشحالم که نتیجه زحمات همه دیده می شود. در آخر هم باید واقعاً یک تشکر ویژه بکنم از پدرم که در این پروژه مسئولیت هدایت بازیگران کودک، از جمله خود من را بر عهده داشت. خیلی کمک کرد تا بتوانم از پس این نقش سخت بر بیایم.





تجربه‌های کودکان در جشنواره فیلم کودک و نوجوان

وقتی تن‌تن‌ها و کارشناسان بسیار جوان به اصفهان می‌آیند

این‌جا فقط یک جشنواره برای بچه‌ها نیست؛ جشنواره‌ای با مشارکت بچه‌هاست. هر کسی نقش خود را دارد؛ بزرگ‌ترها برنامه‌ریزی می‌کنند، جوان‌ترها هم در آن نقش می‌گیرند و سرزمین خود را می‌سازند؛ سرزمینی که در آن برای بعضی فیزیکاری و گزارشگری تعریف شده، برای بعضی هم داوری. بله، داوری فیلم‌ها با حضور پررنگ داوران کودک و نوجوان. قرار نیست راهی کل این ماجرا هم بزرگ‌سال‌ها باشند، خود نوجوانان قلم به دست می‌گیرند و بعد از گذراندن دوره‌های آموزشی آن‌ها را یاد گرفته‌اند، به کار می‌بندند و مکایت جشنواره را به قلم خود روایت می‌کنند. اما ماجرای این دو بخش چیست، یعنی همان داوران کودک و نوجوان و فیزیکاران نوجوان. برویم تا قصه آن‌ها را بشواییم.

امسال از میان حدود ۱۶۰۰ داوطلب شرکت در رقابت داوری جشنواره، البته از میان کودکان و نوجوانان، ۱۵۵۶ نفر به مرحله نهایی رسیدند و رسماً داور جشنواره شدند. آن‌ها روز پنج‌شنبه، سوم مهر در آزمون معرفی داوران که از ساعت ۱۴ تا ۱۶ به صورت آنلاین برگزار شد، شرکت کردند تا در نتیجه آزمون، تیم جدید داوری چیده شود. این داوران در دو گروه کودک ۹ تا ۱۱ سال و نوجوان ۱۲ تا ۱۶ سال فعالیت می‌کنند. حالا این داوران قرار است چطور فیلم‌ها را مورد قضاوت قرار دهند؟ خوب، برنامه این بخش را البته بزرگ‌ترها ریخته‌اند. برای این‌که بچه‌ها به مدرسه‌هایشان برسند و سانس‌های نمایش فیلم‌ها زیادی شلوغ نشود، فیلم‌های کودکان و نوجوانان از

داوران کودک و نوجوان پای ثابت قضاوت درباره فیلم‌ها

اگر بزرگ‌ترها میز و پرده سینما و جمع خود را دارند برای داوری فیلم‌های جشنواره، کودکان و نوجوانان هم سهم خود را از این ماجرا دارند؛ آن‌ها یک جمع بزرگ، یعنی خیلی بزرگ را تشکیل می‌دهند تا فیلم‌های جشنواره را داوری کنند و این یعنی یک اتفاق منحصربه‌فرد در دل جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان.





به منزله خبرنگار نوجوان در جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان شرکت کنند. بچه‌هایی که در این بخش ثبت‌نام می‌کنند، شاید چند سالی منتظر نوجوانی نشسته بودند تا بالاخره نوبت آن‌ها برسد و بتوانند وارد چرخه خبرنگاری در جشنواره فیلم کودک شوند. خوب، تربیت نسل جدید خبرنگاران بخشی از کاری است که در جشنواره اتفاق می‌افتد.

بعد از فراخوان شهریورماه و ثبت‌نام ۳۵۰ داوطلب، جزوهای مشخص به دست همه آنانی که اسمشان را نوشته بودند، رسید تا بتوانند از مرحله آزمون رد شوند. جزوهای توزیع شد و نوجوانان مطالعه را آغاز کردند و در نهایت، نوبت به روز آزمون کتبی رسید که قرار بود به صورت آن‌لاین برگزار شود. هیجان‌ها بالا بود و همه علاقه‌مند بودند که بدانند امسال گردونه شرکت در جشنواره به کام آنان می‌گردد یا نه. خوب، همه شانس آن را نداشتند که از این فیلتر رد شوند و در نهایت، ۲۴۰ نفر با خبرنگاری در جشنواره خداحافظی کردند و ۱۱۰ نفر از این مرحله گذشتند. اما این، پایان مرحله گزینش نبود، بعد از این، آن ۱۱۰ نفر خوش شانس باید از دروازه‌ای دیگر هم عبور می‌کردند، که آزمون حضوری بود. با حضور کارشناسان، این ۱۱۰ نفر از زاویه اطلاعات عمومی، سینما و رسانه ارزیابی شدند و در نهایت، ۵۰ نفر خبرنگار نوجوان جشنواره انتخاب شدند.

هرچند که این هم پایان کار نبود. حالا این خوش شانس‌ترین‌ها که با تکیه بر دانش خودشان مراحل را یکی پس از دیگری پیموده بودند، باید در کارگاه‌های آموزشی شرکت می‌کردند. در این کارگاه‌ها که از اول مهرماه برگزار شد، این موضوع‌ها آموزش داده شدند: چگونه در تماشای آثار هنری تفکر انتقادی داشته باشیم؟، چگونه خبر حرفه‌ای تولید کنیم؟، چگونه یک تصویربردار و تدوین‌گر موبایلی شویم؟، چگونه

فیلم‌ها را تحلیل کنیم؟، چگونه یک پادکست خوب بسازیم؟

حالا دوستان تازه‌ای با به دنیای پرماجرایی خبرنویسی گذاشته‌اند تا ناگفته‌های جشنواره را با قلم و قاب دوربین خود به تصویر بکشند.

هم جدا شد و داوران یک روز در میان به تماشای فیلم‌ها می‌نشینند. این‌طوری بچه‌ها فرصت بیشتری برای تمرکز روی فیلم‌ها و داوری در موردشان دارند. علاوه بر این‌که کمتر هم خسته می‌شوند و به درس و مدرسه‌شان هم می‌رسند.

البته داوران همچنین هم مستقیم از مرحله انتخاب به جایگاه داوری نرسیدند. آن‌ها در این میان جزوهای را مطالعه کردند که اطلاعاتی درباره تاریخچه سینما، انواع فیلم‌ها، عناصر سینما، مراحل تولید فیلم، فنون فیلم‌برداری، نقد و تحلیل فیلم و تاریخچه جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان در اختیارشان قرار می‌داد.

دو گروه داوری که به آن اشاره شد، برای این‌که دقیق‌تر کار خود را انجام دهند، زیر نظر سرگروه‌ها کار می‌کنند. سرگروه‌ها چه کسانی هستند؟ همان خبرنگاران یا داوران دوره‌های قبل جشنواره که حالا هم تجربه‌مند شده‌اند و البته کمی هم بزرگ‌تر. آن‌ها با تکیه بر تجربه‌ای که در جشنواره داشته‌اند، داوران تازه‌وارد را راهنمایی و هدایت می‌کنند.

اما خود داوری چگونه اتفاق می‌افتد؟ این داوران کودک و نوجوان که حال امسال در دو گروه جدا کار می‌کنند، فیلم‌ها را می‌بینند و بعد از تماشای فیلم در فرصتی که دارند، جمع‌بندی‌هایشان را انجام می‌دهند و سپس رأی خود را در مورد هر فیلم، در سامانه‌ای که موجود است، ثبت می‌کنند تا در نهایت امکان پرازش آرا به وجود بیاید. نتیجه همان آرای داوران تازه‌وارد سینما می‌شود.

تن تن در اصفهان

جشنواره فیلم کودک و نوجوان یک موجود چندضلعی و چندوجهی است. آن را نباید فقط به اندازه نمایش فیلم‌ها محدود کرد. در دنیای منشور این جشنواره اتفاقات مختلفی در مورد بچه‌ها می‌افتد. این نیست که بچه‌ها فقط تماشاگر فیلم‌ها و بخشی از برنامه برگزارکنندگان جشنواره باشند... خود آن‌ها هر سال در این جشنواره قلم به دست می‌گیرند، با عینک نقد به چشم می‌زنند، با هم کلام بزرگ‌ترها و بچه‌ها می‌شوند و درباره جشنواره می‌نویسند. امسال هم ۳۵۰ نوجوان در آغاز راه شکل‌گیری کمیته خبرنگاران نوجوان وارد میدان شدند و برای شرکت در این رویداد ثبت‌نام کردند. آن‌ها شهریورماه گذشته فراخوان را در فضاهای مربوط به جشنواره خوانده و در اولین فرصت نام خود را ثبت کرده بودند تا در سال ۱۴۰۴ شانس آن را داشته باشند که



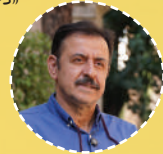
روایت کارگردانان از فیلم‌هایشان

وقتی در صندوقچه نور و قصه گشوده می‌شود

وقتی یک قهرمان تازه زاده می‌شود

حسین قناعت، کارگردان «دختر برقی ۲»

«دختر برقی ۲» فقط ادامه یک داستان نیست؛ تلاشی است برای خلق یک قهرمان تازه، یک دختر ربات ایرانی با ویژگی‌های اخلاقی و فناوری پیشرفته که این بار با انرژی خورشیدی کار می‌کند. مادر این فیلم تلاش کردیم با زبانی قابل فهم و جذاب برای نسل امروز، هم سرگرمی ایجاد کنیم، هم آموزش دهیم. ریتم تند، طنز، ماجراجویی و پرداختن به مفاهیم مهمی مثل خانواده، دوستی و امید، از عناصر اصلی این قصه است. این فیلم فقط برای کودکان ساخته نشده، برای خانواده‌هاست. برای پدر و مادری که همراه فرزندشان می‌آیند سینما، می‌خندند، هیجان را تجربه می‌کنند و با یک حس خوب سالن را ترک می‌کنند.



پلی میان جذابیت‌های امروزی و ریشه‌های کهن

سعید عباسی، کارگردان «جادوی عروسک‌ها»

در دنیایی که تخیل کودکان به سرعت با رنگ‌ها، صداها و تصویرهای دنیای مجازی پر می‌شود، ما بر آن شدیم تا پلی بسازیم میان جذابیت‌های بصری امروز و ریشه‌های کهن قصه‌گویی دیروز. «جادوی عروسک‌ها» تلاشی است برای احیای افسون قصه‌ها، در قالبی نو و پرهیجان؛ سفری جادویی در سرزمین خیال، اخلاق و دوستی. این اثر که برای مخاطبان کودک و نوجوان تولید شده، با بهره‌گیری از جلوه‌های ویژه کامپیوتری، روایت‌هایی خیال‌انگیز و ارزش‌مدار و با حضور بازیگران مطرح کشور، سعی دارد مفاهیم والای انسانی همچون صداقت، شجاعت، دوستی و وفاداری و فداکاری را در دل قصه‌ها جان ببخشد. منتظر حضور سبز و زیباییای تک‌تک شما عزیزان در سالن سینما هستیم.



قصه‌ای که بچه‌ها با آن زندگی می‌کنند

متین اوجانی، کارگردان «شهر آرزوها» (بامبولک ۲)

در دنیای فیلم‌سازی، فیلمنامه نقش خیلی مهمی دارد. وقتی فیلمنامه «بامبولک ۲» بهم پیشنهاد شد، اولین چیزی که جذب کرد، خود قصه بود؛ داستان عروسکی که در لحظه‌های حساس زندگی بچه‌ها ظاهر می‌شود و به آرزوهایشان رنگ واقعیت می‌دهد. قبل از من، دو نسخه دیگر ساخته شده بود، اما برای من مهم بود که بتوانم نگاه خودم رو به قصه تزریق کنم و امیدوار بودم تا بامبولک به عنوان یک کاراکتر زنده و واقعی در دل بچه‌ها جا بگیرد. ساخت این فیلم برای من تجربه‌ای سخت ولی لذت‌بخش بود، چون باید بین دنیای واقعی، فضای عروسکی و احساسات کودکان تعادل برقرار می‌کردیم. تلاشم این بود که فقط به کار سرگرم‌کننده نسامزم، بلکه قصه‌ای تعریف کنم که بچه‌ها باهاش زندگی کنن.



آرزوی منم همه بچه‌ها از دیدن این فیلم در سینماها لذت ببرن و لحظات خوشی رو سپری کنن.



تصویرکردن دغدغه امروزی نوجوانان

ابراهیم امینی، کارگردان «چشم بادومی»

قصه فیلم «چشم بادومی» که فضایی متفاوت برای خود من دارد و به نوعی ماجراجویانه است، نمایانگر بحران هویتی است که بسیاری از جوانان و نوجوانان امروزی درگیر آن هستند. فیلم با نشان دادن این که چگونه مانده (شخصیت دختر جوان قصه) هویت خود را فراموش می‌کند و حتی به مرحله‌ای می‌رسد که خود را جای آن خواننده مشهور تصور می‌کند، به خوبی از عهده بیان این بحران برمی‌آید.

قصه این فیلم موضوعی است که به شدت با نسل جوان امروز مرتبط است و شاید کمتر کسی سراغ آن‌ها برود. خوشحالم که در فیلم «چشم بادومی» سراغ سوژه‌ای رفتم که دغدغه امروز است و مسئله خیلی هاست. امیدوارم تمام کسانی که به تماشای این فیلم می‌نشینند، از تماشای فیلم که مشکلات و مسائل چند سال اخیر نسل جدید را به تصویر کشیده، لذت ببرند.



روایت قصه در لوکیشنی متفاوت

جواد نوریان، کارگردان «سفیدبرفی»

فرایند تولید فیلم «سفیدبرفی» با توجه به قصه‌ای که داشت، متفاوت از آثاری بود که این روزها بیشتر می‌بینیم و به تناسب قصه ما تصمیم گرفتیم از فضای بسته و آپارتمانی شهر فاصله بگیریم و به دنبال لوکیشنی متفاوت و الهام بخش باشیم. در «سفیدبرفی»، کودکان به عنوان قهرمانان اصلی داستان نقش آفرینی می‌کنند و مسیر روایت نیز عمدتاً از نگاه آنان پیش می‌رود، که این موضوع نیز خود تجربه متفاوت دیگری بود.

تولید فیلم کودک، تجربه‌ای متفاوت و درعین حال دشوار بود. حساسیت خانواده‌ها نسبت به فرزندانشان باعث می‌شود موقعیت‌هایی مانند گم شدن کودک در داستان، به دغدغه و نگرانی جدی‌ای تبدیل شود. درواقع، ایده اصلی شکل‌گیری این فیلم نیز از همین نگرانی و نگاه انسانی به جهان کودک نشأت گرفته است، که امیدوارم برای مخاطبان کودک و بزرگ سال هم تجربه‌ای خوب و به یادماندنی را رقم بزند.



قصه‌ای تلخ که به امید خیره شده

محمود کریمی، کارگردان «بچه مردم»

قصه «بچه مردم» با وجود تلخی، تلاش کرده طوری داستان را روایت کند که همراه با لحن امید و کمی شوخ طبعی باشد؛ به گونه‌ای که مخاطب بتواند با شخصیت‌ها ارتباط برقرار کند. فیلم ما برگرفته از دغدغه‌های واقعی درباره کودکان بهزیستی است که تا کنون کمتر به آن‌ها پرداخته شده است. بیش از ۹۰ درصد فیلمنامه بر اساس تخیل و خلاقیت تیم نویسنده شکل گرفته تا داستانی تأثیرگذار و درعین حال قابل فهم برای مخاطب عام باشد. هدف من این بود که فیلمی بسازم که نه صرفاً سفارشی باشد و نه تنها برای مخاطبان خاص، بلکه اثری جذاب و زنده برای همه باشد. امیدوارم نمایش فیلم در جشنواره کودک اصفهان همراه با استقبال مخاطبان باشد و از دیدن آن لذت ببرند.



تلاش برای آن که کودکان قهرمان ایرانی را باور کنند

عماد رحمانی، کارگردان انیمیشن «افسانه سپهر»

در انیمیشن «افسانه سپهر» قصه یک قهرمان روایت می‌شود و همه تلاش ما بر این بود که بچه‌ها قهرمان ایرانی را باور کنند و در این زمینه فرهنگ‌سازی انجام شود. البته که به هیچ وجه قصدمان رقابت یا تقابل با قهرمان‌های انیمیشن‌های خارجی نبود. سپهر قهرمانی بود که نقطه ضعف‌های خودش را می‌شناخت و بر اساس همان ویژگی‌ها خط داستانی ما پیش می‌رفت. بسیار خوشحالم در حوزه‌ای فعالیت می‌کنم که مخاطب دارد. بیش از نیمی از مخاطبان سینمای ایران کودکان و نوجوانان هستند و نیاز است برای این گروه اثر تولید شود. من معتقدم هرچه توجه بیشتری به هنر-صنعت انیمیشن شود، آینده سینمای ایران روشن‌تر خواهد بود.





شماره نخست نشریه قاصدک
نشریه ویژه کودکان سی و هفتمین جشنواره
فیلم کودکان و نوجوانان



قاصدک

«قاصدک» به مفهوم گلی کوچک که گلبرگ هایش با کوچک ترین نسیمی در هوا پراکنده می شود و پیام آور شادی، امید و آرزوست؛ نامی به معنای انتقال دهنده رویاها، آرزوها و پیام های کودکانه که حس بازیگوشی و رویای کودکانه را منتقل می کند...



شناسنامه

دبیر: حامد جعفری
زیر نظر مدیر روابط عمومی سید محمد صادق لواسانی
سر دبیر: سمیه علیپور
تحریریه: لیلا علیپور، نژاد پیکانیان، درسا بخشندگی
دبیر عکس: معین باقری
ویراستار: شیدا محمد طاهر
صفحه آرا: علی شکوری
با تشکر از: سمیرا افتخاری، عطیه مودن، مریم جودکی
و شراره داودی

عکس: مریم بهرامی پور



رونمایی از پوستر جشنواره سی و هفتم؛ حامد جعفری دبیر جشنواره، رونمایی از پوستر را در کنار یادگاران جنگ ۱۲ روزه چنین تعبیر کرد: پیوند میان کودکی و امید، میان مقاومت و فردا، میان قصه های تلخ و آرزوهای شیرین...